



کوشکی - در دوران دانشگاه استادی داشتیم که هر وقت بچه‌ها از او درباره ازدواج راهنمایی می‌خواستند این‌طور جواب می‌داد: «در طول زندگی همه ما ۳ اتفاق مهم می‌افتد: اولین اتفاق تولد است که ما هیچ نقشی درباره زمان و مکان آن نداریم، دومین اتفاق مهم مرگ است که باز هم زمان و مکان آن نامشخص است و در این بین (تولد و مرگ) اتفاق مهم دیگری وجود دارد و آن اتفاق مهم ازدواج است. در این اتفاق مهم نقش اصلی بر عهده ما است، پس باید تاجایی که می‌توانیم دقت کنیم و چشم و گوشمان را باز کنیم که انتخابمان اشتباه نباشد و یک عمر پشیمان نشویم». ازدواج مهم‌ترین اتفاق زندگی برای ما، خانواده و نسلی است که از ما به وجود خواهد آمد. در این مطلب قصد داریم شمارا با معیارهای چند تن از اهالی منطقه برای ازدواج آشنا کنیم.

اصل و نسب خانوادگی مهم است

ابراهیم رحیمی هاشم آباد مرد ۷۹ ساله‌ای است که ۶۰ سال قبل ازدواج کرده است. او مهم‌ترین معیار ازدواج را اصل و نسب خانوادگی می‌داند. رحیمی می‌گوید: «در گذشته قبل از آنکه جوانی به خواستگاری دختری برود درباره اصل و نسب دختر، پیشینه خانوادگی و منش و روش رفتار او با دیگران تحقیقات مفصلی انجام می‌دادند، اگر در پیشینه خانوادگی دختر بی‌حرمتی و خلافی وجود داشت، از خواستگاری صرف‌نظر می‌کردند. اما اگر دختر اصل و نسب درستی داشت، دیگر سایر معیارها چون ثروت خانوادگی، زیبایی و... برایشان مهم نبود، اما امروز معیارها تغییر کرده‌اند؛ به همین دلیل ازدواج‌های زیادی قبل از شروع زندگی مشترک به طلاق ختم می‌شود.»

همسر چهارگوسفند جلو پایم قربانی کرد

محمدشادی ۴۰ سال قبل ازدواج کرده است. او پیشرفت و دوام زندگی‌اش را مدیون از خودگذشتگی و پشتیبانی همسرش می‌داند

اهالی منطقه از معیارهای ازدواجشان می‌گویند

تغییر کرده‌ایم!

قناعت و صرفه‌جویی زندگی‌مان را حفظ کرد

عبدا... طیبی که ۳۰ سال قبل ازدواج کرده است یکی از دلایل موفقیت در زندگی‌اش را قناعت و صرفه‌جویی همسرش عنوان می‌کند و می‌گوید: «۳۰ سال قبل که با همسرم ازدواج کردم امکانات و وسایل چندانی نداشتیم. همسرم که میزان درآمد مرا می‌دانست طوری برنامه‌ریزی کرده بود که با همان درآمدک تمام هزینه‌های زندگی را پرداخت و حتی مقداری پول نیز پس‌انداز کنیم. از پخت‌وپزهای بی‌مورد، خرید لباس‌های گران‌قیمت و چشم‌وهم‌چشمی با همسایه‌ها دوری می‌کرد و خوشبختانه تا امروز نیز محتاج هیچ‌کسی نبوده‌ایم.»

و می‌گوید: «هنگام ازدواج در کارگاه قالی‌بافی کار می‌کردم. بعد از ازدواج همسرم نیز در همان کارگاه مشغول به کار شد تا زندگی بهتری داشته باشیم. چون قبل از رفتن به سربازی ازدواج کرده بودم چند ماه بعد از ازدواج به سربازی رفتم. در این مدت همسرم از طریق قالی‌بافی مخارج زندگی را تهیه می‌کرد و حتی برای پول هم می‌فرستاد. زمانی که سربازی تمام شد و به خانه آمدم همسرم چهارگوسفند را که با پول قالی‌بافی خریده بود پیش پای من قربانی کرد. امروز نیز بعد از گذشت ۴۰ سال هر کاری که بتواند برای زندگی‌مان انجام می‌دهد.»

انسان بدون اخلاق ارزش ندارد

خانمی که به دلیل ناتوانی جسمی و بیکار شدن همسرش با کارگری و کار در خانه دیگران فرزندان خود را بزرگ کرده و زندگی‌شان را سامان داده است مردم‌داری و اخلاق نیکو را یکی از معیارهای انتخاب همسر عنوان کرد و گفت: «من به دلیل ناتوانی جسمی و بیکار شدن همسرم با کارگری و زحمت فراوان زندگی فرزندانم را تأمین کردم، آن‌ها را به دانشگاه فرستادم و برای هر کدامشان همسر انتخاب کردم، اما حالا که پسر و ناتوان شده‌ام فراموشم کرده‌اند. ۵ سال است که به دلیل بداخلاقی و عصبانیت عروسم پسر و نوه‌ام را ندیده‌ام.

هر زمان که برای دیدن آن‌ها می‌روم عروسم با بداخلاقی و سروصدای خانه بیرون می‌کند. پسر من نیز تمام محبت‌هایم را فراموش کرده و از همسرش حمایت می‌کند. به نظر من انسانیت و اخلاق نیکو داشتن بهترین معیار هر زندگی‌ای است و انسان بدون محبت و اخلاق هیچ ارزشی ندارد.»

اگر دختر اصل و نسب درستی داشت، دیگر سایر معیارها چون ثروت خانوادگی، زیبایی و... برایشان مهم نبود، اما امروز معیارها تغییر کرده‌اند.

{گزارش جیبی}

همراه با زوجی که آغاز زندگی مشترکشان را در جوار آرامگاه فردوسی جشن گرفتند

آرمان‌مان زنده نگاه داشتن زبان و فرهنگ پارسی است

راستگو - چهارشنبه گذشته زوجی فرهیخته تصمیم گرفتند زندگی مشترک خود را در جوار آرامگاه فردوسی آغاز کنند. به قول خودشان: «سر بر آستان دانای طوس فرود آوریم و با هم پیمان یکی شدن بستیم». میتادخت‌بنی اسدی، عروسی که کارشناسی ارشد ادبیات دارد، درباره این تصمیم و واکنش اطرافیانش می‌گوید: «من و همسرم، محمدکاظم ارومیان، تصمیم گرفتیم به گونه‌ای مهر آمیز و باشنده به یکدیگر پیوند بخوریم؛ از این‌روی با هم این تصمیم را گرفتیم و اطرافیان نیز باشناختی که از ما داشتند کاملاً استقبال کردند، چنان‌که، اگر غیر این می‌بود، شگفت‌زده می‌شدند». او آرمانش را زنده نگاه داشتن زبان و فرهنگ پارسی عنوان می‌کند و می‌گوید: «بزرگ‌مرد طوس، فردوسی بی‌تکرار، پس از ۳۰ سال رنج و دشواری سرایش حماسه بلند «شاهنامه» را به پایان می‌برد و شاهکاری می‌آفریند که سرشار از ارزش‌های والای انسانی و گنجینه‌ای بزرگ و بی‌تکرار از فرهنگ دیرین ایرانی است. کجای دنیا می‌توانیم ببابیم که شاعری چنین با زبان خامه تاریخ می‌آفریند؟! پورپاژ دست به کاری بزرگ بازید و فرهنگ و یادمان‌های مکتوب ایران و ایرانی را از پرتگاه نابودی نجات داد. ما نیز، اگر چنین خواستیم، آرمانمان تنها و تنها زنده نگاه داشتن زبان و فرهنگ پارسی است، کاری که پیش از ما و شما این فردوسی در پناه اندیشه و کلک‌پرتوان خویش به انجام رساند». این عروس خوشبخت از علاقه‌اش به فردوسی گفت و آرزو کرد مهرشان در زندگی به اندازه مهر زال و رودابه باشد. مانیز برایشان پیوندی مانا و زندگانی سراسر شادی همراه با آسایش و آرامش را آرزو مندیم.

